

بسم الله الرحمن الرحيم

شأن نزول

محقق : فاطمه پورشفیع

چکیده:

گاهی بجای سبب نزول تعبیر شأن نزول بکار می رود به هر حال این دو از یکدیگر منفک نیستند و آنچه مهم است کاربرد آن در گذشته و تأثیر آن در حال و آینده است. حوادث مهم، جالب، یا خطرناک و شرایط خاص در عهد رسالت پیامبر و مسلمانان آن روز و سوال و پرسش مردم در مسائل گوناگون به گونه ای بود که می بایست آیات و یا سوره هایی نازل شود تا درس عبرتی برای انسانهای آن زمان و دیگر زمانها باشد تا با تعریف وقایع مربوطه فهم دین و حقایق قرآن برای همگان روشن گردد. بیان سبب نزول راه استواری برای فهم معانی قرآن است که بی اطلاعی از سبب نزول شماری از آیات زمینه ی انحراف و لغزش در فهم آنها فراهم می کند.

- کلید واژه: تعریف لغوی و اصطلاحی اسباب نزول - شناسایی آیات و سور دارای اسباب نزول - فایده اسباب نزول - ملاک عموم لفظ یا خصوص لفظ - معیار پذیرش اسباب نزول

و آتیناه من کل شی سببا

ما به او (ذوالقرنین) از هر چیز که خواست وسیله ای دادیم (کهف: 83)

عیاشی در تفسیرش به سند خود از حضرت باقر (ع) روایت کرده که فرمود: هر که به رأی خود قرآن را تفسیر کند اگر بر سبیل اتفاق راست گفته باشد اجر و پاداش نخواهد داشت و اگر خطا کند آن مقدار از خداوند دور شود که آسمان از زمین دور است. تفسیر عیاشی ج 1- ص 17- ح

برای فهم دقیق آیات اسباب و سببی لازم است که آن، اسباب نزول است. در این تحقیق سعی شده با جمع آوری نظرات بزرگان و علماء از کتب مختلف، هدف اصلی از شناخت اسباب نزول ارائه گردد تا آیه عام یا مطلق و یا خاص یا مقید و غیره از مسائل علوم در قرآن راه گشای فهم حقایق برای مفسر باشد و بدین ترتیب حق مطلب اداء گردد.

و مطلب دیگر اینکه گاهی نزول مجدد آیات را در قرآن می بینیم که نیاز به بررسی دوباره شأن نزول ندارد زیرا برای تذکر و تطبیق بر حادثه ی ویژه ای بود که پیش بر پیامبر (ص) نازل شده است.

در شناخت اسباب نزول باید دانست که شأن نزول همگام با روایات تأییدی است به جدائی ناپذیری قرآن و عترت، که در این باب معیارهای سندی و محتوایی مد نظر قرار می گیرد، زیرا مفاهیم قرآن با رعایت شأن نزول اگر چه محدود نمی گردد بلکه مفاهیم عام و فراگیری تأویل دارد که بر مصادیق گوناگون خود در طی زمان انطباق می یابد.

انتظار می رود که استاد محترم کاستیها و خطاهای بنده را در این تحقیق ببخشند و برای اصلاح بهتر کار دیدگاه خود را مطرح سازند.

اسباب نزول

معنای لغوی اسباب:

اسباب جمع سبب می باشد و خود سبب از لحاظ لغت دارای معانی زیر است:

رسن یا ریسمان و هر چه بدان به دیگری پیوسته شود ، خویشاوندی ، حیات، ناحیه و راه و امثال آنه.

مرحوم طبرسی می نویسد : سبب عبارت از هر چیزی است که می توان به وسیله آن به هدف رسید و از این جهت است که به ریسمان و راه و در "سبب" می گویند

المجمع البیان 7/73)

کلمه سبب و اسباب در قرآن کریم بر طبق پاره ای از مفاهیم یاد شده به کار رفته است.

معنی اصطلاحی اسباب نزول :

برای بیان معنای اصطلاحی اسباب نزول باید بطور فشرده آیات و سور قرآن کریم را در این مورد

بررسی کنیم زیرا در قرآن با دو نوع از آیات و سوره ها مواجه هستیم.

آیات و سوری که فاقد "اسباب النزول" خاص هستند و آیات و سوری که دارای "اسباب نزول"

خاص می باشند.

آیات و سوری که فاقد اسباب النزول خاص می باشند ، شامل بخشی از قرآن می گردند که ما در زیر

از آنها یاد می کنیم:

الف: آیات و سوری که تاریخ زندگانی و حوادث و رویدادهای مربوط به امتهای گذشته در طی آنها

مطرح است که از لا به لای این حوادث عبرت آموز تمام انسانها در هر عصر رمز سعادت و یا

شقاوت و بدبختی و تعالی یا انحطاط ملتها را باز یافته و می توانند در زندگی فردی یا اجتماعی از

این رموز بهره گیرند و عوامل سعادت و سرافرازی ملتها را شناسایی کرده و به آن روی آورند و از

عوامل سعادت سوز و شقاوت ساز بپرهیزند.

مواردی چون اخبار غیبی و ترسیم دور نمای عالم برزخ و بهشت و دوزخ و حالات روز قیامت و

گزارش احوال بهشتیان و دوزخیان که نمی توان برای آن سبب نزول خاصی را جستجو کرد.

آیات و سوری که دارای اسباب النزول خاصی هستند:

در بررسی آن می توان آیات و سوری را دید که آن سبب و علت نیز همزمان با نزول وحی روی می دهد یعنی در زمان نبی اکرم روی داده است. به عبارت دیگر حوادث مهم ، جالب یا خطرناک یا اوضاع و شرایط خاص مسلمانان آن روز که به دنبال آن آیات و احیاناً سوره هایی نازل می شد ، در اینجا مختصراً به بعضی از آن وقایع اشاره می گردد:

یکی از حوادث جالب و سازنده همگامی صلوة با زکوة است که در اکثر آیات قرین یکدیگرند: *أَمَّا وَلِيكُم اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.*

(مائده 55-56)

ولی و سرپرست واجب الطاعة شما صرفاً عبارتند از خدا و رسول او ، و نیز آن کسانی که دارای ایمان هستند : کسانی که اقامه نماز می کنند و صدقه و زکوة خویش را در حال رکوع (و عالیتترین و لطیف ترین حالت نیایش) به تهیدستان می پردازند.

به حق یعنی آنگاه که علی در حال رکوع نماز توجه به خلق و مستضعفان را بعنوان نتیجه و لازمه توجه به حق اعلام کرد که در پی آن آیه فوق نازل شد.

داستان از این قرار است : مرد بینوا و تهیدست در مسجد از مرد کمک خواست ، کسی چیزی به او نداد این مرد بینوا دستها را سوی آسمان برگرفت و گفت:

خدایا! تو گواه باش که من در مسجد رسول (ص) از مردم کمک خواستم لکن کسی به من چیزی نداد علی(ع) همزمان با این جریان در حال رکوع نماز به سر می برد و انگشت (خنصر- خرد یا میانه) دست راست خود را بطرف این سائل نشانه رفت و بدو اشاره کرد . سائل انگشتی را از دست آنحضرت بیرون کشید . رسول خدا(ص) شاهد این صحنه دل انگیز بود.

آنگاه که پامیر نماز را به پایان برد سر به سوی آسمان بر داشت و عرض کرد :

خدایا! برادرم موسی در خواستی با تو در میان گذاشت و تو در قرآن فرمودی:

سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكَمُلْطَانًا فَلَا يَصْلُونَ إِلَيْكَمَا (قصص : 35)

قریباً بازویت را به وسیله برادرت ، سخت و استوار خواهیم داشت و برای شما دو نفر آنچنان سلطه و فرمانروایی مقرر خواهیم کرد تا به شما نرسند و نتوانند بر شما چیره شوند.

اللهم فانا محمد نبيك وصفيك . اللهم فاشرح لي صدري و يسر لي امري و اجعل لي وزيراً من اهلي علياً أشد به أوزي.

بار خدايا ! من محمد پیامبر تو و برگزیده تو {در میان خلق} هستم . بار خدايا ! پس به من شرح صدر مرحمت فرما برای من وزیری از خاندان من – یعنی علی (ع) - فراهم کن..... سخن پیامبر به پایان نرسیده بود که جبرائیل(ع) از سوی خداوند متعال بر وی فرود آمد و گفت: ای محمد! بخوان .

فرمود : چه بخوانم؟

عرض کرد : بخوان

"انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا"

بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی و مفسران قرآن همچون ابو اسحاق ثعلبی – ابوبکر رازی – رمانی- طبری و دیگران گفته اند این آیه در باره امیرالمؤمنین علی(ع) – بخاطر اهداء انگشتری خود در حال نماز به آن مرد تهیدست – نازل گردید کوشهایی در علوم قرآنی – اسباب النزول- دکتر سید محمد باقر حجتی

از موارد دیگر از آیات و سوری که شأن نزول خاص دارند:

تمام مفسران فریقین یاد آور شدند که سوره " هل اتي " در باره امیرالمؤمنین علی (ع) و فاطمه الزهرا(س) و حسنین (ع) و فضّه خادمه آنها نازل شد و غالباً مدنی است.

سوره "هل اتي = دهر ، انسان " در باره امیرالمؤمنین علی(ع) و فاطمه زهرا(س) و حسنین (ع) و فضّه خادمه آنها نازل شد و غالباً این سوره را مدنی می دانند.

زمانی که امام حسن(ع) و امام حسین (ع) بیمار شدند رسول خدا (ص) با جمعی از مردم به عبادت آنها رفتند. امیرالمؤمنین علی (ع) و فاطمه (س) و فضه ، کنیز آنها نذر کردند که اگر حسنین (ع) از این بیماری بهبودی یابند سه روز را روزه بگیرند ، آندو بهبودی یافتند اما چیزی برای خوردن در اختیار نداشتند.

امیرالمؤمنین (ع) از شمعون خیبری یهودی سه صاع آرد قرض کرد که فاطمه (س) آن را آسیاب کرد و پنج قرص نان به تعداد افراد فراهم ساخت، ولی سه شب پشت سر هم بینوایی یا یتیمی یا اسیری به در منزل آمد و مطالبه نان کرد و بدین طریق اهل بیت (ع) گرسنه ماندند در چنین لحظه ای و با دیدن این منظره رسول (ص) خدا دعا کردند و جبرئیل (ع) فرود آمد و گفت: ای محمد این را بستان خدا تو و خانواده ات را تهنیت گفته. آنگاه سوره "هل اتی" را بر آن حضرت خواند.

ابو صالح و مجاهد و ضحاک و حسن بصری و ابن جبیر و عمرو بن شعیب و عطاء و قتاده و مقاتل و لیث و ابن عباس و ابن مسعود و حسن بن مهران و نقاش و قشیری و ثعلبی و واحدی در تفسیرشان و خطیب مکی در "اربعین" و ابوبکر شیرازی در "نزول قرآن فی امیرالمؤمنین" (ع) و اشنهی در "اعتقاد اهل سنة" و ابوبکر محمد بن احمد بن فضل نحویدر "العروس فی الزهد" در باره سوره "هل اتی" روایت نموده اند.

در مورد سوره "عبس" دو گونه روایت به عنوان سبب نزول وارد شده است:
آیاتی از اوائل این سوره در مورد عبدالله بن ام مکتوم فهری نازل گردید. روزی ام مکتوم بر حضرت رسول اکرم (ص) وارد شد در حالیکه ایشان با بزرگان قریش مذاکره سرّی داشتند. او به پیامبر گفت: مرا اقراء کن و آنچه خداوند متعال به تو تعلیم داده است مرا تعلیم ده. عبدالله در خواست خود را تکرار کرد ولی حضرت همچنان مشغول مذاکره بود. عبدالله صدایش را بالا برد و حضرت از عمل او چهره اش درهم شد ولی برای حفظ محیط به مذاکره خود ادامه دادند. پس از چنین واقعه ای آیات سوره "عبس" بر پیامبر نازل شد. آنحضرت پس از نزول سوره عبس ابن مکتوم را گرامی می داشت و آنگاه که وی را می دید می فرمود:

"مرحباً بمن عاتبنی فیه ربّی" درود و آفرین به کسی که پروردگارم مرا در باره او مورد عتاب و سرزنش قرار داد.

در کتاب اسباب نزول دکتر حجتی بحثی پیرامون این آیه در مورد چهره عبوس پیامبر (ص) و دلالت بر آن آیه می شود.

آیا عبوس شدن پیامبر (ص) یک گناه اخلاقی تلقی می شود همچنانکه جبّایی می گوید. او ادامه می دهد: چنین رفتاری قبل از نزول آیه بوده و گناه اخلاقی محسوب نمی شود

پاسخ این است که دژم شدن چهره و یا انبساط و گشادگی آن در برابر یک فرد نابینا با هم فرق ندارد؛ زیرا برای نابینا چهره در هم یا گشاده فرقی ندارد. پس نمی توان این حالت را در چنین شرایطی به عنوان گناه اخلاقی برشمرد.

نظریه سید مرتضی "علم الهدی" :

در ظاهر آیه های سوره "عبس" قرینه ای وجود ندارد که خطابهای عتاب آمیز آن مربوط به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) باشد. بلکه خطاب به فردی نامشخص است علاوه بر آن عبوس شدن در برابر دشمن و بیگانه از اسلام در خور مقام اخلاقی آنحضرت بخصوص در برابر مشتاقین هدایت نبوده است.

خداوند متعال در باره پیامبرش می فرماید: "و انک لعلی خلق عظیم" (قلم: 4)
پیامبر تو را خویی بس شگرف است.

مرحوم طبرسی و علامه طباطبایی (رضوان الله تعالی علیهما) می گویند: باید آیات سوره "عبس" در باره مردی از بنی امیه نازل شده باشد. این دلیل که:
1- همانطور که گفته شد حالات مذکور در سوره عبس به هیچوجه در خور شأن رسول اکرم (ص) نمی باشد.

2- آیه سوره "ن و القلم" "انک لعلی خلق عظیم" از نظر ترتیب نزول بلافاصله پس از اولین سوره قرآن، یعنی سوره علق قرار دارد.

بنابر این معقول نیست خداوند متعال خلق و خوی پیامبرش را در آغاز بعثتش عظیم بر شمرده و سپس او را از رهگذر پاره ای از حالات ناخوش آیند اخلاقی مورد سرزنش قرار دهد.

در بررسی آیات و بخصوص در مورد شأن نزول آیات به حوادث زشت و ویرانگر بر خورد می کنیم که جریاناتی را در پی داشته است از آن جمله ، دسیسه یهودیان و فتنه انگیزی آنها میان مسلمین. در آیه سوره آل عمران (100 و 101) یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا فریقا من الذین اوتواالکتاب پردوکم بعد ایمانکم کافرین..... من یعتصم بالله و فقد هدی الی صراط مستقیم.

خداوند متعال از پذیرا شدن و تسلیم مؤمنان در برابر گفتار و گزارشهای دسیسه آمیز یهودیان ، آنانرا بر حذر داشته است.

"اگر مردم پیوند استوار خود را با خدا و رسولش حفظ کنند مسلما به صراط مستقیم هدایت می شوند." هدف آیه اینست که مسلمین را از انقسام و تفرقه و اختلاف و درگیری کاملاً گریزان ساخته و آنان را به محبت و همبستگی و اتفاق و همیاری فرا خواند.

و دیگر لغزش و اشتباه فاحش و غیر اغماض از قبیل اینکه:
شخصی یا اشخاصی در حال مستی بر مردم در نماز امامت می کردند :
قل یا ایهاالکافرون اعبد ما تعبدون – کلمه "لا" را در "لا اعبد" حذف کرد که مفهوم بسیار لغزنده ای را ارائه می کرد.
بدنبال این جریان آیه زیر نازل شد:

" یا ایها الذین آمنوا لا تقریبا الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون..... (نساء 43)
ای مؤمنین در حالیکه مست و مخمور هستید به نماز روی نیاورید تا بدانید آنچه را که بر زبان می آورید.

معنا سکر از امام باقر (ع):

منظور از سکر و مستی عبارتند از سکر و نشاء خواب می باشد.

مرحوم علامه طباطبای می نویسد:

منظور از نماز در این آیه اگر در معنای استعمال مجازی که عبارت از مسجد است بکار رود و دلیل آن آیه بعد باشد که در حال جنابت به مسجد در نیاید "و لا جنبا الا عابری سبیل" با تعبیر "حتی تعلموا ما تقولون" مناسب به نظر نمی آید زیرا مقصود از جمله مواجه بودن با مقام کبریایی پروردگار است

که شایسته نیست در چنین حالتی مست بوده و عقل شما با پلیدی خمر از کار می افتد و در نتیجه ندانید چه می گوید.

گاهی پاره ای از این حوادث دسیسه ای بود که منافقین در سر می پروراندند و می خواستند عملاً هدف این دسیسه را تحقق بخشند.

افشاء و خنثی سازی ترفند های منافقین(مسجد ضرار)در آیه ذیل:

والذین اتخذوا مسجد ضرارا و كفرا بين المؤمنين و ارسادا لمن حارب الله و رسوله من قبل و ليحلفن ان اردنا الحسنی(توبه آیه 107).

آنانکه به منظور گزند و زیان رسانی و کفر ورزی و ایجاد تفرقه میان مؤمنین و تمهید کمینگاه برای کسانی که قبلاً با خدا و رسول او به محاربه و نبرد بر می خاستند مسجدی را بنا و انتخاب کردند و سوگند یاد کردند جز خیر خواهی نظر دیگری نداشتیم.....

مرحوم طبرسی در ذیل "و ارسادا لمن حارب الله و رسوله" می نویسد.

ابو عامر راهب(ابو عامر راهب پدر "حفظه غسل الملائکه" بود که در غزوه احد به مقام شهادت نائل آمد).

برای منافقین پیغام فرستاد که آماده گردید و مسجدی را برای پیشبرد مقاصد منافقانه خود برپا سازید . من عازم روم هستم و نزد قیصر روم خواهم رفت و با سپاهییانی از سوی او به سوی شما خواهم آمد و محمد (ص) را از مدینه بیرون خواهم کرد.

رسول خدا (ص) پس از بازگشت از غزوه تبوک و نزول آیات به عمار یاسر و وحشی و عاصم ابن عوف و چند نفر دیگر دستور دادند به سوی مسجد روند که اهل آن ستمکار و خائن هستند .

رسول خدا به آنان فرمودند: این مسجد را در هم کوبید و ویرانش سازید و همه مصالح قابل احترامش را بسوزانید و خاکسترش را به باد دهید.

اهمیت و ارزش اسباب نزول و فایده آن

فایده اوّل : باز یافتن وجه و راز حکمت الهی در نحوه تشریح و قانونگذاری:

آگاهی به اسباب نزول دارای نقش عمده و اساسی در فهم مدلول و مفهوم آیات قرآن کریم است.

هر محقق از رهگذر آشنایی به اسباب نزول می تواند حکمتی را باز یابد که این حکمت ، بیانگر علت و سر و راز تشریح و وضع احکام و قوانین بوده است ؛ چون علم به سبب ، زمینه و مقدمه علم به مسبب است.

دیگر آنکه از طریق آشنایی با اسباب النزول می توانیم حکمت الهی را در مورد قوانینی که از رهگذر نزول آیات به مردم اعلام شده است باز یابیم این آگاهی هم بحال مؤمنین سودمند است و هم کافران را بکار آید.

اما آنچه مهم و قابل در یافت است اینکه مؤمنین با دریافت این آگاهی بر مراتب ایمانی خود

می افزایند و بدینوسیله شوق و تمایل خود را در اجرا قوانین و عمل به مضامین قرآن کریم بر می انگیزند.

اما کافر در صورتی که منصف باشد – به این نتیجه می رسد که قانونگذاری اسلام بر اساس رعایت مصالح انسانی پی ریزی شده است نه بر استبداد و زورگویی و طغیان و ارضاء و هوس.

فایده دوم- شناخت اسباب نزول

تخصیص حکم به سبب از دیدگاه کسانی که ملاک را عبارت از خصوص سبب می دانند نه عموم لفظ.

گاهی آیاتی نازل می گشت که دارای تعبیری عام بوده و حکم آن ظاهراً به همه مردم مربوط می شد اما سبب نزول آن آیه و یا آیات عبارتند از جریانی بود که به فرد و یا افراد خاصی ارتباط داشت به عنوان نمونه آیات ظهار که در آغاز سوره مجادله به چشم می خورد :

تعبیر عام آن "الذین یظاهرون" و سبب نزول آن عبارتند از جریانی بود که میان زن و شوهری روی داد.

ظهار:

- ظهار مصدر ظاهر و مشتق از "ظهر" به معنی پشت است. و صیغه ظهار بدین صورت اجرا می شد که شوهر به زن خود می گفت "انت علی کظهر امی"

در دوران جاهلیت به منزله "طلاق" در اسلام بود. آنگاه که صیغه "ظهار" از سوی شوهر نسبت به زن جاری می شد، میان آن دو رشته زن و شوهری گسیخته می گشت، و از آن پس این زن بر آن شوهر حرام می گشت و هیچگاه امکان رجوع نبود.

فایده سوم شناخت اسباب نزول:

در شناخت اسباب نزول باید وقوف و آگاهی به مدلول صحیح آیات و رفع ابهام از چهره مفاهیم ظاهری آنها کرد.

فی المثل: عثمان بن مظعون بن حبیب بن وهب جمحی (م 2 ه.ق) و عمرو بن معدی کرب بن ربیع بن عبدالله زبیدی (سال نهم هجری اسلام آورد) چنین باز گو می کنند:

شرب خمر مباح است و برای اثبات سخن خود به آیه زیر استشهاد و استدلال می کنند.

"لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما طعموا اذا ما اتقوا و آمنوا و عملوا الصالحات ثم اتقوا و آمنوا (مائده 93)

بر کسانی که دارای ایمان و کردار شایسته ای بودند چنانچه قبل از نزول تحریم خمر چیزی از خمر را چشیده باشند جرم و بزهی بر آنها نخواهد بود. اما به شرط آنکه از کفر پیرهیزند و ایمان را از دست نهند و کردار شایسته ای را در پیش گیرند، آنگاه به تقوای خویش تداوم بخشده و برایمان خود پایدار بمانند....

اما اگر آندو از سبب نزول این آیه آگاه بودند چنین سخنی را بر زبان نمی آوردند. سبب نزول آیه مزبور این بود:

عده ای از مردم – آنگاه که آیه حرمت خمر نازل گردید – می گفتند : چه خواهد شد حال کسانی که در راه خدا کشته شدند و دنیا را از این رهگذر ترک گفتند ، اما خمر که رجز و پلید بود می نوشیدند؟

در پی چنین تردید و نگرانی بود که آیه مذکور نازل گردید مینی بر اینکه چون هنوز حکم تحریم ابلاغ نشده بود بر کسانی که قبلاً خمر نوشیده بودند جرمی نیست.

فایده چهارم شناخت اسباب نزول:

یکی از فوایدی که بر شناخت "اسباب نزول" مبتنی است عبارتند از پی بردن به نام شخص و یا اشخاصی که آیه و یا آیاتی در باره آنها نازل گردیده است. در این رهگذر فردی که مبهم یا متهم و یا بی گناه به نظر می رسد مشخص خواهد شد.

برای ارائه چنین فائده ای می توان به آیه زیر استشهاد کرد.

والذی قال لوالدیه اف لکما آتعداننی ان اخرج و قد خلت القرون من قبلی و هما یستغیثان الله.....(احقاف-17)

آن کس که به پدر و مادر خود می گفت: وای بر شما ! آیا به من وعده می دهید که مرا از گور برون آورده و دوباره زنده کنند در حالیکه قرن‌ها قبل از من برروزگار سپری گشت و گروه زیادی از مردم از دنیا رفتند لکن تا کنون هیچیک از آنان سر از گور خویش بر نیاورده و زنده نشد.

این پدر و مادر از خدا در خواست می کردند که فرزندشان را مشمول لطف قرار داده تا از نعمت ایمان برخوردار گردد ، و نیز به همین فرزندشان می گفتند : وای بر تو به قیامت و سخنان پیامبر اکرم(ص) ایمان آور ، چرا که وعده خدا حق است و روز قیامت و حیات دو باره و ثواب و عقاب اخروی قطعاً تحقق خواهد یافت.

مروان در باره عبد الرحمن ابن ابی بکر می گفت: وی عبارت از آن کسی است که آیه " والذی قال لوالدیه اف لکما" در باره او نازل شده است. عایشه این سخن مروان را رد کرد و سبب نزول آنرا توضیح داد که فرد دیگری از این آیه مد نظر است.

مرحوم طبرسی می نویسد: آیه مذکور در باره عبد الرحمن ابن ابی بکر نازل شده که پدر و مادرش او را به اسلام دعوت می کردند و در این دعوت نیز پافشاری می نمودند. لکن عبد الرحمن به آنها می گفت: " عبدالرحمن ابن جدعان" و بزرگان قریش را برای من زنده سازید تا از آنها راجع به ادعا شما درباره دین و قیامت سؤال کنم.

مرحوم علامه طباطبایی پس از نقل روایات می گوید: اگر روایات مربوط به نزول این آیه در باره عبدالرحمن بن ابی بکر درست باشد نمی توان از صراحت آیه ای که پس از آن آمده است گریخت اولئک الذین حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن و الانس انهم کانوا خاسرین.

(احقاف 18)

طبرسی به نزول آیه در باره عبدالرحمن بن ابی بکر یاد می کند می گوید: به قرینه آیه سوره احقاف (اولئک) که به صورت صیغه جمع آمده است آیه " والذی قال لوالدیه..) را باید عام تلقی کرد که شامل کافر و هر فردی می گردد که گرفتار عقوبت والدین می باشد.

یعنی در آیه مذکور خصوص لفظ در مد نظر نیست ؛ بلکه عموم از آن اراده می شود . 1- مجمع البیان 87/9

آیا ملاک عموم لفظ است یا خصوص سبب:

اگر لفظ عام باشد شامل همه افراد می گردد ولی آنچه ملاک و معتبر می باشد عبارت از خاص بودن سبب است و شمول اینگونه آیات بر تمام افراد مشابه از راه دلیل دیگری استفاده می شود. چنانکه حکم بسیاری از آیات - به اتفاق همه علماء و مفسرین - به خاطر دلیلی که وجود دارد به موارد نزول آنها محدود و منحصر می باشد لکن شمول آنها بر تمام افراد از طریق و قرینه دیگری استفاده می شود.

"وَيْلٌ لِّكُلِّ هَمْزٍ لَمَزَةٍ الَّتِي جُمِعَ مَالًا وَعَدَدَةٌ، يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ، كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ...."

وای بر هر طعنه زن سخن چین و بدگو ، آن که مال بر هم می نهد و آنرا بر می شمارد . و پندارد که مال او را پاینده دارد.....

زمخشری در باره سوره همزه گفته است :

بعضی می گویند: این سوره در باره اخنس بن شریق- که عادت او غیبت و آسیب رساندن به مردم بازبان بوده است - نازل شد.

بعضی می گویند : در باره امیه بن خلف نزول یافت.

و عده ای هم می گویند : این آیات در باره ولید بن مغیره و غیبت کردن او از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و گوشه چشم زدن و استهزاء او نسبت به آن حضرت است.

اما سبب این سوره خاص است لکن وعید و تهدیدی که در آن وجود دارد عام می باشد تا شامل همه کسانی گردد که مرتکب چنین عمل زشتی می شوند ا لکشاف 5/ 795

وَالسَّارِقِ وَالسَّارِقَةَ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا.....(مائده 38)

دزد اگر مرد است و اگر زن دست آنانرا ببرید..

از ابن عباس نیز روایتی نقل شده است که وی عموم لفظ را معتبر می دانست زیرا او با اینکه آیه سرقت در مورد زنی که سرقت کرده بود نازل شد- قائل به عموم حکم این آیه است.

ابن ابی حاتم می گفت : حدیث کرد ما را علی ابن الحسین ، و او گفت: گزارش کرد ما را محمد بن ابی خمد، و وی گفت : حدیث کرد ما را ابو ثمیله بن عبد المؤمن از نجده حنفی که نجده می گفت:از ابن عباس در مورد این آیه سؤال کردم؟

"آیا حکم این آیه عام است یا خاص" در پاسخ گفت:حکم آن عام است.

خلاصه ای از اسباب نزول این آیه:

در (کشف الاسرار 327/3، 114/3) در خبر عمر است که :

در عهد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنی زیوری را سرقت کرد او را بگرفتند و به حضور رسول خدا (ص) بردند و عرض کردند:

این زن ازما زیوری را سرقت کرد. حضرت دستور داد دست راست او را قطع کنید . آیا می توانیم دست او را با پانصد دینار باز خرید کنیم ؟

حضرت به این درخواست التفاتی نفرمود. و بار دیگر فرمود : دست او را ببرید .

زن گفت آیا اگر توبه کنم مورد قبول واقع خواهد شد ؟

حضرت فرمودند: آری توبه تو مورد قبول واقع می شود و تو امروز پاکی از گناهان چنانکه آنروز که از مادر زادی.

پس آیه نازل شد: فمن تاب من بعد ظلمه و أصلح فإنّ الله يتوب عليه إنّ الله غفورٌ رحيم (مائده 39)

ان الله يامركم ان تودوا الامانات الى اهلها و اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل انّ الله نعمًا يعظكم به انّ الله كان سميعا بصيرا-(نساء - 56)

خداوند متعال به شما فرمان می دهد که امانات را در دسترس اهل آن قرار داده و آنرا رعایت کرده و به کسانی بسپارید که دارای اهلیت هستند. و نیز دستور داده است که به هنگام داوری در میان مردم بر اساس عدل و داد حکومت و داوری نمائید. و خداوند به گونه ای شایسته شما را به کارهای خوب اندرز می دهد که امانت را اداء کرده و از خیانت دست باز دارید که خداوند شنوا و بیناست.

این آیه از عموم و شمول نسبت به هر امانتی برخوردار است چرا که "الامانات" ساختار جمعی و معرف به "الف و لام" می باشد .

مرحوم طبرسی یادآور می شود که در تفسیر آیه "امانات" اقوال و آرائی دیده می شود:

الف: آیه دارای عموم نسبت به هر کسی است که هر نوع امانت به دست او سپرده می شود و امانت خداوند عبارتند از اوامر و نواهی او است و امانات بندگان به چیزهایی مربوط می گردد که یکی از آنها به دیگری می سپارد ، مانند مال و امثال آنها.

ب: مخاطب این آیه عبارتند از متصدیان امور و زعماء قوم هستند که باید از رعیت مواظبت کرده و آنان را به انجام وظایف مربوط به دین و شریعت وا دارند.

امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در رابطه با این آیه فرمودند:

خداوند متعال به هر یک از ائمه و پیشوایان دستور داده است که امور را به کسانی که پس از او می آیند واگذار کنند. مؤید آن آیه بعدی است: "يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منكم...." که رعیت را به اطاعت و فرمانبرداری از اولیاء امور فرا خوانده است.

ج- این دو آیه که یکی از آن ما و خطاب به ما است و دیگری از آن شما و خطاب به شما است اولی "انّ الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها..... و دیگری یا ایها الذین آمنوا اطيعوا الله و

این آیه خطاب به نبی اکرم(ص) می باشد که کلید کعبه را در روز فتح مکه از عثمانین طلحه باز ستانده بودند و می خواستند در اختیار عباس عموی آنحضرت قرار دهند تا منصب پرده داری و سقایت از آن عباس باشد - دو باره به او باز گرداند.

اما ان نظریه را که به آن باید اعتماد کرد همان نظریه اول است که آیه شامل هر گونه امانت در مورد هر کسی می باشد ، علاوه بر آنکه دلیل و برهان مقتضی است که اگر امری از پی سببی وارد شود لازم نیست آنرا به مورد سبب محدود ساخت بلکه خصوصیات مورد از چنین امری الغاء شده و آنرا به صورت یک عام و قاعده کلی و دارای شمول در می آورد.

آنگاه خداوند متعال زعما و اولیاء امور را به حکومت عدل و داد فرمان می دهد.

" سبب نزول آیه "فاینما تولوا فثم وجه الله"

این آیه به پنج روایت می رسد.

الف: حدیثی که محمد بن جریر طبری و ابن ابی حاتم- از طریق علی ابن طلحه (از روات حدیث) از ابن عباس در کتابهای خود آورده اند که وی می گفت: وقتی رسول خدا (ص) به مدینه مهاجرت کرد خداوند متعال به او دستور داد بیت المقدس را قبله خود قرار دهد. یهودیان از این جریان شادمان شدند. رسول خدا (ص) چند ماه به سوی بیت المقدس نماز می گذارند اما به قبله ابراهیم احساس شوق و علاقه می نمود: لذا این قبله را از خدا در خواست نمود و سر به سوی آسمان می داشت و نگران لطف پروردگار بود که خداوند آیه زیر را نازل کرد:

" و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره لئلا للناس علیکم حجة.....(بقره-150)

ای پیامبر! به هر جا که می روی و به سو که بیرون شوی چهره خود را فرا سوی مسجدالحرام بر گردان تا از سوی هیچیک از مردم علیه شما بهانه ای در میان نباشد.

یهودیان این تغیر قبله را بهانه کرده و به ستیزه جویی در آمدند.

حاکم از عبدالله بن عمر حدیثی آورده اند که می گفت: " فاینما تولوا وجه الله" در مورد نماز استحبابی وارد شده است مبنی بر اینکه می توانی در حالیکه سوار بر مرکب هستی به هر سوئی که مرکب تو روی می آورد چنین نماز را بر گزار کنی" 1- مجمع البیان 400/1-400

ابن جریر حدیثی از مجاهد آورده که وی می گفت : آنگاه که آیه زیر نازل شد:

" ادعونی استجب لکم" (غافر: 60)

مرا بخوانید و از من در خواست کنید که به شما پاسخ مثبت خواهم داد.

مردم گفتند : در کدام سو به خدا روی آوریم و از او در خواست کنیم؟

در پی این سؤال آیه " اینما تولوا فتم وجه الله" نازل گردید. البته این حدیث مرسل می باشد.

آیه " یسئلونک عن الروح....." (اسراء 85)

این روح کدام روح است :

مردم راجع به روح سؤال می کنند که آیا مخلوق و حادث است ؟ خداوند متعال فرموده :

"قل الروح من امر ربی ... " یعنی روح یکی از فر آورده های فعل و خلق الهی است. علیهذا ممکن است روح چند چیز باشد: 1- روحی که قوام جسد به آن است.

2- جبرائیل- فرشته ای که وصف جالبی از آن در کتب حدیث آمده و زبان به تسبیح خداوند متعال می گشاید.

3- عیسی ؛ که به "روح" نامبرده است.

لازم است که بیان گردد لفظ روح هم مذکر است و هم مؤنث و دیگر اینکه جمعی از مفسرین روح را در مفهوم هدایت به ایمان بکار می رود و یا در مفهوم متعارف آن که منشأ حیات اجساد بی جان می باشد.

به هر صورت کلمه روح در آیات بسیاری - اعم از مکی و یا مدنی - مکرر یاد شده است که مسلماً آن معنای حقیقی که در جانداران می شناسیم در مدنظر نیست.

انواع روح در مضامین قرآن کریم:

- 1- گاهی روح در قرآن با ملائکه همراه است. من كان عدوا لجبريل فانه نزله على قلبك.... - نزل به الروح الامين.....قل نزله روح القدس.....(مریم 17):
 - 2- روحی که در انسان دمیده می شود.و نفخ فيه من روحه.....(الم سجده : 9)
 - 3- روحی که مصاحب با مؤمنین استو ایدهم بروح منه.....(مجادله:22)
 - 4-بعضی از انواع روح بر انبیاء نازل شد: " ينزل الملائكة بالروح.....(نحل 2).....وایدناه بروح القدس....."(بقره 87).....الیک روحاً من امرنا.....(شوری 52)
 - 5- جانداران و گیاهان در غیر انسان حیاتی مقرر شده است ، و حیات نیز ظاهراً متفرع بر وجود روح می باشد: نتیجه اینست که " یسلونک عن الروح قل الروح من امر ربی" پس روح از سنخ " امر" است و بطور مطلق در قرآن بکار برده شده است. در برابر سؤال از اینکه روح قدیم است یا حادث؟ خداوند پاسخ می دهد مبنی بر اینکه روح از امر و فعل خداوند حادث شده است که بر این سخن ایراد وارد شده است.
- نتیجتاً سخن در مورد اسباب نزول و آیات قرآن بسیار است ولی آنچه مهم است باید بدانیم که با شناخت اسباب نزول علاوه بر اینکه از فهم نادرست آیات جلوگیری می شود مفاد آیه روشن می گردد و دیگر آنکه دفع توهم حصر می کند به گونه ای که حکم را از انحصار در مصادیق اشخاص خارج می کند و دیگر اینکه شناخت اشخاص و موقعیت آنان در صدر اسلام و یا شناخت مکی ومدنی بودن آیات و آسان شدن فراگیری و حفظ قرآن و مصادیق حکم آن ،شخص مؤمن را از رفتارهای افراطی بیش از حد خارج می کند.

آیات قرآن افزون بر مفاد اولیه و ظاهری (تنزیل) که بر مورد نزول آن منطبق می‌گردد، مفاهیم عام و فراگیری "تأویل" دارد که بر مصادیق گوناگون خود در طی زمان انطباق می‌یابد پس معیار های پذیرش اسباب نزول هم سندی است و هم محتوایی. اگر سند روایت مورد اطمینان باشد باید از معصوم و یا ناقل آن صحابیان باشد و اگر محتوایی است باید مفاد آن با حکم عقل و نقل قطعی تعارض نداشته باشد و همچنین با اصول و مسلمات مکتب اهل بیت ناسازگار نباشد و اگر روایاتی سند صحیح ندارد ولی محتوای آن با ظاهر و سیاق آیه و حکم عقل هماهنگ باشد و قرآینی بر درستی آن وجود دارد در تفسیر آیات قابل اعتماد است.

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

1- کوشه‌هایی در علوم قرآن-اسباب النزول- دکتر سید محمد باقر حجتی- دفتر نشر فرهنگ اسلامی

2- علوم قرآن در مکتب اهل بیت علیهم السلام- علی اصغر ناصحیان- مشهد : دانشگاه علوم انسانی

رضوی 1389

